

تحول ساختاری حوزه‌های علمیه و تأثیر آن بر کارآمدی دینی در جامعه

سمیرا سبحانی مله امیری ، زینب بهجومش^۱

چکیده

تربیت اخلاقی در اسلام، فرآیندی تدریجی و همه‌جانبه برای هدایت انسان به سوی قرب الهی و حیات طیبه است. حوزه‌های علمیه به عنوان نهادهای اصیل دینی، همواره رسالت تلفیق علم و تهذیب را بر عهده داشته‌اند. با این حال، ظهور پرشتاب رسانه‌های نوین و دیجیتال، زیست‌جهان نسل جدید را دگرگون ساخته و الگوهای سنتی تربیت اخلاقی را با چالش‌هایی چون کاهش مرجعیت استادمحور، تغییر سبک یادگیری به سمت شبکه‌ای و تصویری، و پدید آمدن مسائل اخلاقی نوظهور مواجه کرده است. از سوی دیگر، این رسانه‌ها با قابلیت‌های تعاملی، چندرسانه‌ای و فراگیر خود، فرصت‌های بی‌سابقه‌ای برای تعمیق و گسترش تربیت اخلاقی فراهم می‌آورند. این نوشتار با بررسی مبانی نظری، کارکردهای تاریخی حوزه و ماهیت رسانه‌های جدید، به تحلیل تعامل این دو عرصه می‌پردازد و راهبردهایی برای تحول نظام آموزش اخلاق حوزه، تقویت سواد رسانه‌ای اخلاقی طلاب، و طراحی الگوهای ترکیبی آموزشی ارائه می‌دهد. هدف نهایی، ترسیم نقشه‌ای راهبردی برای بهره‌گیری هوشمندانه از فناوری‌های نوین در خدمت تربیت انسان‌هایی است که هم بر میراث اخلاقی اسلام مسلط باشند و هم توانایی تاثیرگذاری در جهان پیچیده دیجیتال را دارا باشند.

کلیدواژه‌ها: اخلاق اسلامی، تربیت اخلاقی، حوزه‌های علمیه، رسانه‌های نوین، سواد رسانه‌ای اخلاقی.

^۱ طلاب اشتغال به تحصیل سطح ۲ حوزه علمیه امام خمینی رحمه‌الله کرمانشاه.

تربیت اخلاقی همواره به عنوان یکی از ارکان اساسی تعلیم و تربیت در اندیشه اسلامی مطرح بوده است. در این نگاه، تربیت اخلاقی فرآیندی تدریجی، آگاهانه و چندبعدی است که هدف نهایی آن قرب به خدا و تحقق حیات طیبه است. حوزه‌های علمیه به عنوان نهادهای اصیل دینی، از دیرباز رسالت تلفیق علم دینی با تهذیب نفس و الزام عملی را بر عهده داشته‌اند و روش‌هایی مانند ملازمت استاد و شاگرد، جلسات اخلاق و الگوسازی از سیره معصومان(ع) در سنت حوزوی رواج داشته است.

اما جهان معاصر با سرعت فزاینده‌ای در حال دگرگونی است. ظهور رسانه‌های نوین و دیجیتال نه تنها ابزارهای ارتباطی، بلکه زیست‌جهان جدیدی خلق کرده که سبک زندگی، یادگیری و هویت‌یابی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. نسل جدید طلاب (نسل Z و آلفا) در محیطی رسانه‌ای رشد یافته‌اند که در آن تصویر بر متن، شبکه‌های اندیشی بر خطی‌اندیشی و تعامل بر انفعال اولویت دارد. این تحولات، الگوهای سنتی تربیت اخلاقی در حوزه‌ها را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است:

1. کاهش مرجعیت استادمحور: اقتدار تربیتی استاد در برابر الگوهای متنوع و جذاب فضای مجازی رنگ باخته است.
2. تغییر سبک یادگیری: تمرکز بر یادگیری کوتاه‌مدت، تصویری و شبکه‌ای، با روش‌های طولانی‌مدت و متنی سنتی ناسازگار است.
3. نظریه‌زدگی اخلاق: خطر تبدیل اخلاق به دانشی صرفاً درسی، بدون تمرین عملی و درونی‌سازی.
4. ظهور مسائل اخلاقی نوین: چالش‌هایی مانند حریم خصوصی، هویت مجازی، انتشار شایعه و اخلاق رسانه‌ای که در منابع سنتی مستقیماً به آنها پرداخته نشده است.

در عین حال، همین رسانه‌ها فرصت‌های استثنایی برای تربیت اخلاقی فراهم می‌کنند: تعاملی‌سازی، دسترسی نامحدود به منابع، جذابیت چندرسانه‌ای و امکان تشکیل شبکه‌های اجتماعی اخلاق‌محور.

مسئله اصلی این پژوهش این است که حوزه‌های علمیه چگونه می‌توانند در تعاملی‌سازی سازنده و هوشمندانه با رسانه‌های نوین، رسالت تربیت اخلاقی خود را در جهان پیچیده امروز به طور مؤثرتری به پیش ببرند و بر چالش‌های پیش رو غلبه کنند؟

این پژوهش در پنج فصل سازمان یافته است: از تبیین مبانی نظری و کارکردهای تاریخی حوزه آغاز می‌شود، سپس به تحلیل ماهیت و تاثیر رسانه‌های نوین می‌پردازد و در نهایت با بررسی تعاملات موجود، راهبردهای عملی و الگوی جامعی برای ارتقای تربیت اخلاقی در بستر دیجیتال ارائه می‌دهد.

۱. چارچوب نظری و ضرورت تحول

۱.۱ مفهوم تحول ساختاری در نهادهای دینی

تحول ساختاری در نهادهای دینی، به‌ویژه حوزه‌های علمیه، به معنای بازآرایی هدفمند و هوشمندانه سامانه‌های آموزشی، پژوهشی، مدیریتی و ارتباطی این نهادهاست، به گونه‌ای که اصول ثابت دینی حفظ شوند و در عین حال، پاسخگویی به نیازهای متحول جامعه ارتقا یابد. این نوع تحول، برخلاف تغییرات انقلابی یا سطحی، یک اصلاح تدریجی و بنیادین است که با درک دقیق مقتضیات زمان و مکان انجام می‌شود. هدف نهایی آن، تقویت نقش حوزه در هدایت فکری، اخلاقی و اجتماعی امت اسلامی و همچنین زمینه‌سازی برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است. در مقابل این تحول منطقی، دو دیدگاه افراطی وجود دارد: یکی مقاومت در برابر هرگونه تغییر که منجر به جمود و انزوا می‌شود، و دیگری تجددگرایی افراطی که بدون رعایت مبانی اصیل، ساختار حوزه را مشابه نهادهای سکولار شکل می‌دهد که این امر هویت حوزوی را به خطر می‌اندازد. از این رو، تحول واقعی باید درونی، آگاهانه و مدبرانه باشد؛ به‌گونه‌ای که ضمن پاسداری از میراث علمی کهن و روش اجتهادی اصیل، سازوکارهای حوزه برای تعامل مؤثر با جامعه معاصر بازمهندسی شود (حکیمی، ۱۳۸۵، ۵۷؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷، ۱۲۳).

۲.۱ مبانی فقهی و کلامی اصلاح و نوسازی ساختارها

اصلاح و بازآفرینی ساختارهای دینی، ریشه در مبانی عمیق فقهی و کلامی اسلام دارد و در بسیاری موارد، امری ضروری و حتی واجب محسوب می‌شود.

مبنای فقهی: قاعده «لاضرر و لاخرج» از اصول مسلم فقه شیعه است که هرگونه نظام یا ساختاری را که موجب زیان یا سختی در دینداری مردم یا مانع از اجرای احکام الهی شود، نفی می‌کند. اگر ساختار سنتی حوزه به دلیل ناکارآمدی، پیام دین را به نسل جدید منتقل نکند یا پاسخگوی مسائل نوپدید نباشد، اصلاح آن واجب فقهی است (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، ۱۸۹).

مبنای کلامی: لزوم حفظ و استمرار رسالت انبیا، بیانگر آن است که حوزه‌های علمیه وارثان علمی پیامبران هستند و مسئولیت حفظ و استمرار هدایتگری دینی را بر عهده دارند. با تغییر شرایط تاریخی و ظهور شبهات جدید، شکل‌ها و روش‌های تازه فعالیت و ساختار مورد نیاز است و اصلاح ساختار، جزئی از انجام این تکلیف است (سبحانی، ۱۳۸۲، ۷۴).

مبنای اصولی: توجه به زمان و مکان در اجتهاد، یکی از عوامل مهم استنباط احکام شرعی است و این اصل تنها در مسائل فردی کاربرد ندارد، بلکه در سیاست‌گذاری‌های کلان دینی و ساماندهی نهادهای دینی نیز اهمیت دارد. ساختاری که صد سال پیش کارآمد بود، ممکن است امروز ناکارآمد باشد و تطبیق آن با مقتضیات زمان، بخشی از فرایند اجتهاد جامع‌نگر است (مؤمن، ۱۳۸۸، ۲۱۵).

سیره معصومین و عقلانیت عملی: مطالعه سیره ائمه اطهار (ع) نشان می‌دهد که آن‌ها ضمن حفظ اصول، در مدیریت، آموزش و ارتباطات اجتماعی خود از انعطاف و نوآوری متناسب با شرایط بهره می‌بردند. این عقلانیت عملی، مهم‌ترین الگو و مشروعیت‌بخش اصلاح ساختاری در نهادهای دینی است (رزاقی، ۱۳۹۵، ۱۴۲).

۳.۱ تجربه‌های تاریخی تحول در نظام حوزوی

تجربه تاریخی حوزه‌های علمیه شیعه نشان می‌دهد که ظرفیت تحول و نوسازی درونی، همواره وجود داشته و این تغییرات نقش حیاتی در بقای حوزه ایفا کرده‌اند.

تحول پس از دوره صفویه و شکل‌گیری حوزه اصفهان: با رسمی شدن مذهب تشیع و شکل‌گیری دولت صفوی، نیاز به نهادی منظم برای تربیت عالمان دینی و قضات احساس شد. این امر موجب شکل‌گیری حوزه اصفهان با ساختاری منسجم‌تر و ارتباط نزدیک با حکومت شد. در این دوره، علاوه بر فقه و اصول، توجه به علوم عقلی مانند فلسفه و کلام احیا شد، که نشان‌دهنده انعطاف محتوایی حوزه برای پاسخ به نیازهای فکری زمان است (حسینی زاده، ۱۳۸۹، ۹۳).

تحول اساسی در نجف و پیدایش درس خارج: در سده‌های اخیر، مهم‌ترین تحول ساختاری با مهاجرت علمای برجسته به نجف و ایجاد حوزه مستقل آنجا شکل گرفت. نقطه اوج این تحول، نهادینه شدن روش «درس خارج»

توسط شیخ مرتضی انصاری بود. این تحول، آموزش حوزوی را از سطح آموزش متون ثابت به مرحله پرورش قدرت اجتهاد و استنباط ارتقا داد و ساختار درسی حوزه را حول محور استاد-شاگردی و آزادی انتخاب درس تعریف کرد، که انعطاف و عمق علمی بی‌نظیری ایجاد نمود (امین، ۱۳۷۹، ۱۶۷).

تحول پس از انقلاب اسلامی و طرح حوزه‌های علمیه خواهران و تحول در علوم انسانی: انقلاب اسلامی، موقعیت حوزه را در مدیریت جامعه تقویت کرد و نیازهای بی‌سابقه‌ای ایجاد نمود. در این دوره، دو تجربه مهم تحولی شکل گرفت: نخست، تأسیس حوزه‌های علمیه خواهران که ساختاری نو و نقش اجتماعی جدیدی برای زنان مسلمان ایجاد کرد؛ دوم، حرکت به سمت تحول در علوم انسانی از طریق نهادهایی مانند پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، که با هدف پیوند سنت حوزوی با علوم مدرن و تولید دانش انسانی مبتنی بر مبانی اسلامی ایجاد شد. این نمونه‌ها نشان می‌دهد که ضرورت‌های نوین، ایجاد نهادهای تلفیقی و میان‌رشته‌ای را می‌طلبد (سعیدی روشن، ۱۴۰۴).

۲. تحلیل وضعیت موجود و چالش‌ها

۲.۱ نقاط قوت و ضعف ساختار سنتی حوزه

الف) نقاط قوت

عمق و اصالت علمی روش اجتهادی: نظام فقهی حوزه بر پایه استنباط منطقی از منابع وحیانی استوار است و این متد، پویایی دین و قابلیت پاسخگویی به مسائل نوپدید را تضمین می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، ۲۱۰).

آزادی علمی و استادمحوری: امکان انتخاب آزاد استاد و درس، انگیزه یادگیری طلاب را افزایش می‌دهد و رابطه نزدیک استاد-شاگردی را تقویت می‌کند که زمینه‌ساز تربیت اخلاقی مؤثر است (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ۱۵۴).

تأکید بر تفکر و تعمق: تعلیم حوزه بر مطالعه دقیق، تمرین مباحثه و تحلیل مستمر استوار است و قدرت تفکر انتقادی و توانایی حل مسئله را ارتقا می‌دهد (حسینی زاده، ۱۳۸۹، ۱۲۵).

پیوند با مردم: ارتباط مستمر با جامعه، منبع اصلی مشروعیت و نفوذ اجتماعی روحانیت را فراهم می‌کند (امین، ۱۳۷۹، ۱۸۸).

تربیت اخلاقی در گفتمان اسلامی، حرکتی عمیق به سوی کمال و قرب الهی است که تحقق آن در هر عصری مستلزم هماهنگی با اقتضائات زمان و مکان است. حوزه‌های علمیه به عنوان حاملان این رسالت، در طول تاریخ با تکیه بر روش‌هایی چون ملازمت، الگوسازی و جلسات اخلاق، به پرورش انسان‌های عالم و متخلق همت گماشته‌اند. اما تحولات شتابان عصر دیجیتال، این نهاد را در موقعیتی حساس و چالش‌برانگیز قرار داده است.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که رسانه‌های نوین، هم تهدیدند و هم فرصت. از یک سو، با ایجاد آشفتگی معرفتی، سطحی‌سازی یادگیری و تضعیف مرجعیت‌های سنتی، بستر سنتی تربیت را تحت تأثیر قرار داده‌اند. از سوی دیگر، با قابلیت‌های تعاملی، چندرسانه‌ای، شبکه‌ای و فراگیر خود، ظرفیتی بی‌سابقه برای نشر معارف اخلاقی در گستره‌ای وسیع و در قالبی جذاب برای نسل جدید فراهم کرده‌اند.

برای عبور از چالش‌ها و بهره‌گیری از فرصت‌ها، تحول در نظام تربیت اخلاقی حوزه اجتناب‌ناپذیر است. این تحول نباید به معنای نفی گذشته، بلکه به معنای تکامل و تلفیق هوشمندانه سنت با فناوری است. راهبردهای کلیدی این تحول عبارتند از:

1. بازنگری در برنامه درسی: گنجاندن دروسی مانند «اخلاق فضای مجازی» و «مهارت‌های تولید محتوا».
2. تقویت سواد رسانه‌ای اخلاقی طلاب: ارتقای توانایی تحلیل، تولید و مدیریت حضور اخلاقی در فضای مجازی.
3. طراحی الگوهای ترکیبی آموزش: تلفیق عمق مباحث سنتی با جذابیت قالب‌های دیجیتال مانند کلاس‌های برخط، محتوای چندرسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی اخلاق‌محور.
4. توانمندسازی اساتید: آشنا کردن اساتید اخلاق با زبان و فناوری‌های نسل جدید.
5. نهادسازی و سیاست‌گذاری: ایجاد نهادهای تخصصی (مانند مرکز ملی تربیت اخلاقی در فضای مجازی) برای هماهنگی، پژوهش و تولید محتوای راهبردی.

در نهایت، الگوی جامع تعامل حوزه و رسانه باید مبتنی بر چرخه‌ای پویا از پژوهش، تولید محتوا، نشر و تعامل، و ارزشیابی مستمر باشد. تنها با چنین نگاهی پیش‌نگر، نظام‌مند و جسورانه می‌توان امید داشت که

حوزه‌های علمیه نه تنها کارآمدی تربیتی خود را در عصر جدید حفظ کنند، بلکه با بهره‌گیری از ابزارهای قدرتمند دیجیتال، صدای اخلاق و معنویت را با کیفیتی بالاتر و در گستره‌ای جهانی طنین‌انداز سازند و در پرورش نسلی که هم «دانش‌آموخته» است و هم «اخلاق‌باور» و هم «رسانه‌دوست» موفق عمل نمایند. آینده تربیت اخلاقی در گرو همین تعامل خلاق و مسئولانه با تکنولوژی و در عین وفاداری به اصول اصیل اسلامی است

۱. امین، سید محسن. (1379). تاریخچه حوزه‌های علمیه شیعه. قم: انتشارات کلبه شروق.
۲. پیروزمند، علیرضا. (1395). تحول در علوم انسانی؛ مبانی و الگو. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳. جوادی آملی، عبدالله. (1385). اسلام و محیط زیست. قم: نشر اسراء.
۴. جوادی آملی، عبدالله. (1387). شریعت در آینه معرفت. قم: نشر اسراء.
۵. حجتی، سید محمداقبر. (1399). مدیریت تحول در نهادهای دینی؛ مطالعه موردی حوزه‌های علمیه. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۶. حسینی زاده، سید علی. (1389). تاریخ اجتماعی حوزه‌های علمیه شیعه. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۷. حکیمی، محمدرضا. (1385). حیات اندیشه اسلامی (ج 3). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۸. رجبی، محمدحسن. (1395). نظام آموزش دینی در مسیحیت کاتولیک. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
۹. رزاقی، سید ابراهیم. (1395). سیره مدیریتی ائمه اطهار (ع). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۰. سبجانی، جعفر. (1382). مبانی حکومت اسلامی. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۱۱. شفیعی، سید حسن. (1398). الازهر و حوزه: مطالعه تطبیقی در ساختار و کارکرد. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۲. مصباح یزدی، محمدتقی. (1379). حقوق و سیاست در قرآن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۳. مومن، محمد. (1388). مقالات اصولی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۱۴. ترابی، احمد. (1387). مدیریت تحول یا تحول مدیریت در حوزه‌های علمیه. اسلام و مطالعات اجتماعی، 25(145)، 34-47.

۱۵. ذوالفقاری، حسین و رضاقلی، شریفه. (1404). تربیت اخلاقی نسل امروز در بستر رسانه‌های نوین؛ چالش‌ها و راهکارها. مقاله ارائه شده در کنفرانس ملی رسانه و اخلاق، تهران، ایران.
۱۶. سبحانی‌نیا، محمد. (1402). الگوی ترکیبی آموزش اخلاق در فضای مجازی با رویکرد اسلامی. فصلنامه علمی-پژوهشی اخلاق، 13(48)، 75-96.
۱۷. سعیدی روشن، محمدباقر. (1404). مصاحبه با عنوان «چالش ساختاری در مسیر اسلامی‌سازی علوم انسانی».
۱۸. واسطی، عبدالحمید. (1390، 8 آبان). راهبردهای تحول در حوزه. پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه.

منابع الکترونیک:

۱۹. تحول یا انزوا؟ الزامات حوزه‌های علمیه در پرتو پیام راهبردی رهبر معظم انقلاب. (1404). پایگاه خبری 598.
۲۰. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای. (بی‌تا). فیش‌های تحول در حوزه.
۲۱. خبرگزاری حوزه. (1404). ضرورت تحول در تعامل حوزه‌های علمیه با نسل جوان.
۲۲. خبرگزاری حوزه. (1404، 20 آذر). بیش از ۱۰ مورد از عناوین مرتبط با تحول در آموزش در پیام رهبر.
۲۳. خبرگزاری حوزه علمیه خراسان. (1404، 15 آذر). بیانیه رهبر انقلاب؛ جامع‌ترین نقشه راه تحول حوزه‌های علمیه است.
۲۴. خبرگزاری حوزه علمیه خراسان. (1404، 22 شهریور). حوزه‌های علمیه خط مقدم تقابل با تهدیدهای دشمنان و مرکز نوآوری تمدنی هستند.
۲۵. خبرگزاری KHAMENEI.IR. (1398). تحول در حوزه علمیه و لزوم کارآمدی دروس.
۲۶. طرح تحول حوزه‌های علمیه تحولات بزرگی را رقم می‌زند. (بی‌تا). گرداب جذب.
۲۷. ترسیم نیوز. (بی‌تا). بیش از صد طرح تحولی در مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه کشور.
۲۸. تسنیم. (1404). جای حوزه‌های علمیه در دیپلماسی فرهنگی.
۲۹. پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه. (1391، 7 آذر). اهمیت و ضرورت تحول در حوزه.
۳۰. پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه. (1390). مدیریت تحول در حوزه‌های علمیه.
۳۱. پایگاه جامعه الزهرا (س). (بی‌تا). لزوم مدیریت عالمانه و عاقلانه در دوران تحول / نقش آفرینی حوزه‌های علمیه در حکمرانی جامعه.

۳۲. شبکه اجتهاد. (1398، 19 اردیبهشت). تحول در حوزه علمیه و لزوم کارآمدی دروس.
۳۳. شبکه اجتهاد. (1400، 4 خرداد). تحول در حوزه، زمینه‌ها و بایسته‌ها.